

سفر	دادن برهنی ساموری را با خراج وزارت در سوختن ساموری خود را با فرزندان و سلم شدن بسیار بجسد
۲۱۶	آغاز گفتار در محاربه حیدر علیخان با انگریزان و تصرف در آوردن جنرال سمیت چهار شهر یکی تری پوتول و دوم ورتی انگریزی سیوم سینگان چچسارم گیسری پتن و آمدن حیدر علیخان متجاوزا لشکر خود و سپاه دکن
۲۲۰	روان شدن حیدر علی خان از پایان کوه دیور به راه دیور از گنجل منی گری و حفظه عنان نمود و صعود کردن بکوه دیور و تصرف آوردن شهر گیسری پتن
۲۲۲	مستقر افتن حیدر علی خان قلعه شهر و اماان طلبیدن کپستان انگریزی لشکر
۲۲۳	روان شدن حیدر علیخان بطرف سینگان و مجاوله کردن با جنرال سمیت و مقبول گشتن بعضی از عساکر شش و رفتن جنرال سمیت بتارن علی و روان شدن حیدر علی خان عقب او و آمدن کرنل جو و مجاوله جنرال سمیت
۲۲۵	اراده نمودن حیدر علی خان بکسین انگریزان و مطلع شدن جنرال سمیت در رفتن او به محاربه سپاه دکن و سر راه گرفتن حیدر علی خان بمسارقت هر دو بانده کن مقاومت
۲۲۶	فرستادن حیدر علی خان سپه خود قیپور را بمسارقت و تخریب در رس و رسیدن و دستبرد نمودن او با اطراف مدک

صفحه	و سالم ماندن شهر و قلعه
۲۳۰	شکست یافتن حیدر علی خان از جنرل سمت و مرآت قیو از مدرس
۲۳۳	رفتن حیدر علی خان به سمت لوه و فی آمبری و اتراچ آن از بد تصرف انگریزان
۲۳۵	رفتن و مسخر نمودن حیدر علی خان شهر سیاه امبور را و جنگ انداختن با قلعه و ششیدن قریب درود جنرل سمت بد و اهل قلعه
۲۳۶	روانه شدن حیدر علی خان بطرف و فی آمبری و رسیدن جنرل سمت با امبور و رفتن بو فی آمبری و مکرر مسخر ساختن و عزیمت حیدر علی خان بکبیری هین و منقوض شدن یک حصه لشکر جنرل سمت بکرنل عود
۲۳۸	انقطاع نظام علی خان از حیدر علی خان و متفق شدن با محمد علی خان و انگریزان
۲۴۰	مسخر نمودن لشکر بندر منی قلعه منگلور و اسیر شدن جمیع لشکر بدست قیو
۲۴۲	درود حیدر علی خان بمنگلور و آمدن علیخان باستغای جرایم و کشیدن حیدر علیخان او را
۲۴۴	قتیل و اسیر نمودن حیدر علیخان کرنل فریشمن را با لشکرش

صفحه ۲۴۵	رفتن حیدر علیخان بجا ربه کرنل عود و سپردن کرنل هووستلو آتونیسورسکی اترپستان و ایم الشرب و رسیدن حیدر علیخان با تونیسور و بدست آوردن قلعه
۲۴۹	مصالحی طلبیدن انگریزان از حیدر علیخان و رفع محاربه میان ایشان
۲۵۲	آمدن حیدر علی خان بجا ربه محمد علیخان باریکات و ستعد نمودن انگریزان لشکر خود را بمعاونت محمد علی خان بسپه سالاری شریکتر تمندرو
۲۵۴	روانیه شدن کرنل پیل بدو حیدر علی شریکتر تمندرو و گرفتار شدن بدست تیپو
۲۵۸	رفتن جنرال سرگت مندرو بفرستادن بنکاپتن و استخراج آن از دست بلندز
۲۶۰	محاربت کردن حیدر علیخان با جنرال کوت و شکست یافتن حیدر علیخان
۲۶۳	جنگ دوم حیدر علی خان با جنرال کوت و شکست یافتن بقدری رحی لایوت
۲۶۴	دزم سیوم و چهارم و پنجم حیدر علی خان با جنرال کوت و منضم گشتن او
۲۶۶	رفتن کرنل بریووت بطرف بوم تجوز و اسیر و مقید شدن او و شکست تیپو

صفحه ۲۷۰	آمدن جہازات جنگی فرانسیس با لشکر معاہدت حیدر علیخان و انتراع قلعہ کہ لور از تصرف انگریزیہ و وفات حیدر علیخان
۲۷۳	آغاز داستان تیمپو سلطان و رفتن جنرل ماتیوس از بندر مینی بلیس بار و گرفتن شہر انور و کت پور و منگلور و پد نور
۲۷۵	اگاہی یافتن تیمپو سلطان از وصول جنرل ماتیوس بید نور و آمدن او بہت ابلہ و اسیر و دستگیر ساختن جنرل را با تمامی لشکر و سپاہ
۲۷۸	وفات جنرل کوت و مقرر شدن جنرل ایشتمیور و جاک او و رفتن بکہ لور بجهت تخلص نمودن آنجا از تصرف فرانسیس و وقوع مصالحت میان پادشاہ فرانسیس و انگریز و منطقی شدن نایرہ رزم و ستیز فیما بین تیمپو سلطان و انگریز
۲۸۱	شرح صعوبت کشیدن جنرل ماتیوس با لشکرش بعد اسیری از تیمپو سلطان و مسموم شدن او با بعضی سرداران و خلاص گشتن بقیہ المظلومین از ان طبعیہ با یلہ بعد مصالحت تیمپو سلطان با انگریزان
۲۸۸	لشکر کشیدن تیمپو سلطان بجا رب و عبادت رای فرمانہ مای کشور تراون کزو و آمادہ ساختن مادہ

صفحه	نزاع و انعقاد صلح جبل المتین مخالفت با انگریزان
۲۹۱	ورود جنرل میندوس و لشکر بنگالہ بمدرس و رفتن جنرل میندوس بکپیناپلی و نامه نوشتن تیمپو سلطان در باب آشتی و مصالحت بجنرل میندوس
۲۹۲	رسیدن نامه تیمپو سلطان بجنرل میندوس و پاسخ نوشتن او
۲۹۶	مسخر شدن قلعہ کارود و حصار دارپورام بدست جنرل میندوس بدون محاربه و آمدن سعید خان از طرف تیمپو سلطان بجانب قلعہ و تیسرہ کوتہ و منہزم گشتن از انگریزان مستخلص شدن چهار دینہ بیگلہ پست پستان اورام و تیسرہ در آوردن کرنل ایشتیور و حصار تلنگات جاری
۳۰۱	آمدن تیمپو سلطان بہت کشور گوئیتر و رفتن بپستان پچیلہ و میسر واری با استقبال و اتفاق ملاقات بمیسر واری با فوجی از مخالفت و محاربه کردن و رسیدن معاہدہ بمیسر واری و منہزم شدن فوج تیمپو سلطان
۳۰۳	رسیدن تیمپو سلطان قریب فوج انگریزی و غالب شدن در مرتبہ اولی و مغلوب گشتن در دفعہ ثانیہ و طعنی شدن جنرل میندوس بشکر و انہزام تیمپو سلطان
۳۰۶	نامه نوشتن میر صادق وزیر و اصغف خان و علی رضا

صفحه	خان و آقا حیرام که چپ ار رکن سلطنت تیمور سلطان بوده اند بجزل میدوس طلب مصالحت
۳۰۸	پاسخ نوشتن بجزل میدوس بارالکین اربعه سلطنت تیمور سلطان
۳۱۱	رسیدن پاسخ بجزل میدوس بارالکین اربعه سلطنت تیمور سلطان و مطلع شدن تیمور سلطان از مضمون پاسخ و رفتن به تیاگز و نامه نوشتن بجزل میدوس
۳۱۳	پاسخ نوشتن بجزل میدوس و ابا نمودن از مصالحت و رفتن تیمور سلطان ببولجری دارالترایته فرانسویس
۳۱۵	ورود لار و گز تو آلیس بدرس و روانه شدن بجزل میدوس از دیور بطرف شهر دیوت و وقایع همین راه تا ورود او ب دیوت و رسیدن لار و گز تو آلیس ب دیوت
۳۱۶	روان شدن لار و گز تو آلیس بطرف دیور و میسورد و از آنجا بزم استخر شهر بنگلور و مسخر شدن و سله اشکتا در بین راه
۳۱۹	روان شدن تیمور سلطان بمیان بنگلور و رسیدن او قریب قلعه اشکتا و رفتن لار و گز تو آلیس متعاقب و رسیدن هر دو بنزدیک بنگلور و قدر اندیشیدن تیمور سلطان بسلامت لار و گز تو آلیس و مخوف ماندن لار و
۳۲۱	رفتن هر دو بجزل میدوس و اجماعی از دلیران پشاه در طرق و

<p>سفر سبیل شهر بنگلور و ملاقی شدن با فوجی از لشکران قمبر سلطان و اشتغال نیرای معانله و مجادله و مراجعت کردن بهریمت بعد مغالبت</p>	
<p>۳۲۳ لشکر و ستادان لار و گرنو آلیس بتنجه بنگلور گشته شدن کرنل مورداوس و رفتن جنرال میدوسس بمطابرت سپاه و سفر شدن چهار شهر بنپاه و آمدن قمبر سلطان بهریم استر و ادو بهریمت یافتن</p>	<p>۳۲۳</p>
<p>۳۲۴ مفتوح شدن قلعه بنگلور بسبب آزوی زور انگریزان و مقبول شدن قلعه دار بهادر خان</p>	<p>۳۲۴</p>
<p>۳۲۵ سپردن قلعه کاپول به ساردار واری محاربه و پیکار سرد و قلعه دار قلاع مزبور و دیوستن سالار فندقه پیکار با لشکر بسیار لار و گرنو آلیس</p>	<p>۳۲۵</p>
<p>۳۲۶ مفتوح شدن نواب نظام علی خان ناسم صوبه دکن و پیشوای قوم مرشیه با انگریزان بمباریه تیپو سلطان وروانه شدن لار و گرنو آلیس بطرف دنگتاگرد ملحق شدن لشکر نظام علی خان بین راه در سیدن لار و دنگتاگرد دیوستن کرنل آلد هم با سبکالی سپاه و مراجعت لار و به بنگلور</p>	<p>۳۲۶</p>
<p>۳۲۷ روانه شدن لار و گرنو آلیس بطرف سررینگ پاشن و استقبال نمودن افواج قمبر سلطان و انترام ایشان</p>	<p>۳۲۷</p>

مسئله	بعد مجاریه و مراجعت لاریه بسبب بعضی مواضع به بنگلور و پوستن عساکر مرسته و بندر فی دین راه
۳۳۶	پنجم مصالحت فرستادن قیو سلطان بلار و گرنوایس و پاسخ دادن او
۳۳۸	رسیدن لاریه گرنوایس به بنگلور و فرستادن یک گودی را بتجهیز قلعہ اتر و رفتن لاریه بترام و روان شدن از آنجا بترام و نزدیکی و مسخر ساختن
۳۴۰	رفتن لاریه گرنوایس بتجهیز قلعہ سیوند و مسخر ساختن و تسلیم نمودن قلعه داران قلعه را مگر شیر باگر همه و قلعه بلار و مسخر نمودن کرنل ایشور و قلعہ اترا دروک
۳۴۲	مسخر شدن قلعه پینور مجاریه و منقوض گشتن حصار بتشکی پینور بی مجاریه و قاتله کپتان لیشل قلعہ سیموگه بارضا خان سردار قیو سلطان و بزرگ تاجران
۳۴۴	روان شدن جنرال پا کر ملی از کت انور و لاریه گرنوایس از اترا دروک بابت شکر نظام علی خان و مرشد بصوب سرریگ پان و رسیدن لاریه گرنوایس بآنها
۳۴۶	عبور کردن لاریه گرنوایس با سرداران خود از رود کاور و آمدن حیدر احمد خان از طرف قیو سلطان بمجاریه و مقبول شدن و دخول لاریه در جزیره سرریگ پان

۳۴۹	تغییر مکان کردن تیمپو سلطان و تخریب بروج اطراف شهر و مصالحت طلب رسیدن از لاردرگرنوایس و پذیرایی نیافتن و ورود همزلی با کرالی سیرینگ پاتن
۳۵۱	لشکر فرستادن تیمپو سلطان بجنگ سپاه نظام علی خان و مرگت و شکست یافتن و پیغام دادن بسردار سردار لشکر بجهت مصالحت و زیور قبول نموشیدن
۳۵۳	محصور شدن تیمپو سلطان در سیرینگ پاتن و جنگ لاردرگرنوایس با اتفاق معاونان با او
۳۵۵	عاجز شدن تیمپو سلطان و فرستادن دو پسر خود نزد لاردر گرنوایس بگردگان و طلب مصالحت کردن و وقوع صلح
۳۵۷	شرح عمود و مواجبتی که فیما بین امرای تلتشه و تیمپو سلطان واقع شد
۳۵۸	آغاز داستان و سبب نقض عهد نمودن تیمپو سلطان با انگریزان
۳۶۰	رسول فرستادن تیمپو سلطان پیش سردار جزیره مرسی و اراکین دولت شهر پاریس که دار استلطنه گروه فرانسویست و دعوت کردن ایشان را با اتفاق خود در استیصال انگریزان و مراجعت رسول از مرسی شهر منگلور
۳۶۳	انگامی یافتن لاردر و یلیزلی فرمانفرمای کلکت از اتفاق تیمپو

۳۶۷	محقق شدن نقص محمد تیمپو سلطان برلارد ویلزبے بوصفہ گشتن باجماع عساکر و سپان اختلال احوال نظام علینخان و پیشوای فرقہ جہریشہ
۳۶۹	پیغام فرستادن لارڈ ویلزبے بنظم ام علیخان بکبر طرف ساختن نوکران فرانسیس بالشرکش کہ دران سکرکار التزام داشتند از نوکری و زیاد نمودن عسکرانگریزان بمعرفت پستان کرک پاتریک و پذیرفتن نظام ام علیخان
۳۷۱	رفتن کرنل رابرتس از مدرس حسب الحکم لارڈ ویلزبے بجید آباد وقتیکه درین شکر فرانسیس را و خرتا سرداران فرانسیس را بجلگتہ
۳۷۴	مقطع شدن لارڈ ویلزبے از ورو عساکر فرانسیس از دارالملکت پاریس بحسب الاستدعای تیمپو سلطان و بغارت رفتن جہازات ایشان
۳۷۶	نامہ نوشتن لارڈ ویلزبے بہ تیمپو سلطان و تذکرہ اورا از نقص محمد
۳۷۹	نامہ نوشتن لارڈ ویلزبے دفعہ دوم بہ تیمپو سلطان و آمدن خود بدرس و رسیدن جواب مکتوب اول از طرف تیمپو سلطان لارڈ ویلزبے
۳۸۱	نامہ نوشتن لارڈ ویلزبے بہ تیمپو سلطان دفعہ سیم و روانہ

سفر	ساختن جنرل ہاریس راجکٹ میسور و جواب فرستادن تمپو سلطان پانچ وادوں لار و ویلزلی
۳۸۳	اجتماع عساکر انگریزیہ در امرتسر مختلفہ و ملحق شدن لشکر نظام عالی خان سرداری نواب میر عالم بھسار و جنرل ہاریس و منسوب نمودن جنرل ہاریس جنو و نظام عالی خان سردار لون انگریز
۳۸۶	جنگ کردن تمپو سلطان با جنرل ایشٹور و در سید و شکست یافتن
۳۸۸	رفتن جنرل ہاریس و نواب میر عالم بھسار در ازبکلو بشہر مالاولی و جنگ کردن با تمپو سلطان و شکست دادن اورا و رسیدن نیر و یک سریرنگ پاتن
۳۹۱	نامہ نوشتن تمپو سلطان با جنرل ہاریس و پانچ وادوں او بہ تمپو سلطان رسیدن جنرل ایشٹور و سریرنگ پاتن
۳۹۲	نامہ تمپو سلطان بطلب مصالحت و پانچ جنرل ہاریس
۳۹۵	پانچ فرستادن تمپو سلطان با جنرل ہاریس و شروع جنگ قتل و منہدم شدن دیوار حصار و نامہ نوشتن تمپو سلطان از روی اضطراب و پانچ جنرل ہاریس
۳۹۹	سفر شدن شہر سریرنگ پاتن و حملہ بردن جنرل پیر و پرستلو ارگ و تصرف در آوردن و مقتول شدن تمپو سلطان

صفحه ۲۰۲	پیغام فرستادن جنرل پردبه تپو سلطان بجهت نجات خواستن مصحوب میر آلان و ملاقات او با دو پسر تپو سلطان و محاکات کردن با ایشان
۲۰۵	آمدن جنرل پردبه رگا و تپو سلطان و فرستادن پسر سلطان پیش جنرل پاریس و تقصیر کردن این سلطان
۲۰۷	طلبیدن جنرل پردبه تپو سلطان و استفسار کردن از تپو سلطان و ظاهر ساختن قلعه دارتتل سلطان با
۲۱۱	آغاز داستان ذکر مجلی از طلوع سیر دولت همیشه از افق اقبال و نکلن ایشان بر سندن رفت و اجلال
۲۱۴	انتقال دولت مرهته بر همیشه کوکبی و استقلال شدن با لاجی را و لقب بنانا و مشهور به پندت پردبان و پیشوا
۲۱۷	آمدن کرسنا تهر را و معروف بر اگهو بند رنهی و بیعت شدن با انگریزان و التماس بایر و مجادلت بین الفرقین و مسخر نمودن انگریزان شهر بروج و جزیره ساشی
۲۱۹	آمدن سته سردار نامی از انگلند بجلگه و فرستادن کرنل آپتن را بیونه بجهت مصالحت
۲۲۱	مختل شدن امر مصالحت بسبب راضی نشدن اگهو بر رفتن بیونه و بعضی حیات دیگر
۲۲۳	شروع محاربه انگریزیه با فرقه مرهته دفعه ثانیه و ورود شدن کرنل لیسلی از بنگاله با ادا شکر نمایی و وفات

۴۲۵	کردن و منصوب شدن کرنل گوردون بر جاسیے او روانہ شدن کرنل اگرتن از بندر منی بطرف پونہ بجستہ قتال و استقبال عساکر ہستہ و شکست یافتن کرنل اگرتن علی التواتر و مصالحت نمودن
۴۲۸	رسیدن کرنل گوردون بکبنا باد و تاسرہ نوشتن بر راجہ برار و دعوت کردن او را بکنگ مرہتہ بمواعید بسیار واقفال نمودن او
۴۳۰	روانہ شدن جنرل گوردون بعد رسیدن باسخ از رای برار و رفتن بر بانپور و رسیدن مکتوب کرنل اگرتن بدو و سردار سندر منی مشتمل بر کیفیت آتشکی و پذیرفتن ہمسرد و آمدن جنرل گوردون بکبنا سورت و گریختن رگت ناتھرا و مشہور بر اگہوار پیش مہاد و چمی سندھیہ و ملت شدن جنرل گوردون
۴۳۲	مصالحت کردن فرقہ مہستہ باخیدر علیخان و متفق نمودن او را و نظام علی خان را تصفیہ آہ را و بخت خان و سایر بزرگان سندوستان را با خود در مہاد لہ انگریزیہ
۴۳۳	رفتن جنرل گوردون بطرف برودہ و مسخر ساختن مرزدوہ و احمد آباد گجرات با بعض محاللات آن و آمدن ہولکر و سندھیہ بکبنا سورت
۴۳۵	آمدن جنرل گوردون بکبنا سورت و جنگ کردن با ہولکر و شکست

صفحہ	وشکت دادن
۴۳۶	جنگ کردن لشکر ہمدونچی سندھ پر پاکستان
	کھنڈیل وشکت یافتن
۴۳۹	شہنشاہ زدن لغتنت و اشن بر لشکر سندھ و فیروززی یافتن و پیکار جستن میجر فارسیں با سپاہ مروتہ و منصور شدن
۴۴۱	سنو نمودن میجر پچم قلعہ گوالیار با سہل و نگہ بتقدیر ملک قنار
۴۴۳	مصالحت کردن ہمدونچی سندھ پر با انگریز یہ بواسطت کرنل میور و تصفیہ عنبار پیکار پشوا بتوسط ہمدونچی سندھ پر فرو تہیجہ
۴۴۵	عروج ہمدونچی سندھ پر با علی معارج بزرگی و کامرانی دیس بردن ہو لکر و آمدن بطرف پونہ دارالتریاستہ باجیرا و محسروف بہ پشوا بعد محاربات کثیرہ پاکستان پر
۴۴۹	جنگ کردن باجیرا و پشوا با اتفاق سندھ پر با ہو لکر وشکت یافتن و متخص شدن در قلعہ ہمار و نشستن امرت را و برادرش بر جایی او
۴۵۲	معاونت طلبیدن باجیرا و پشوا از کرنل کلوس و کیل کپینے انگریز بہادر
۴۵۵	وزستاندن کرنل کلوس عہد نامہ پشوا را بحضور لارڈ

صفحه	موضوع
	ویلزی در روانه کردن لارده ویلزی کرنل کولمنس را پیش سندیهه بکده است حکام مواد دوستی و اتحاد
۴۵۷	میتا ساختن سرداران انگریز لشکر خود را در سندیهه
۴۵۹	یاری خواستن سندیهه و پیشوا باجیرا و از لارده ویلزی در جنگت هو لکر و نامه نوشتن هو لکر و امرت را و بکرنل کلوس بجهت مصالحت دادن ایشان با باجیرا و سندیهه
۴۶۲	آمدن باجیرا و پیشوا از تعلقه مهار به سائی و آمدن کرنل کلوس بندر مینی و تجدید عهد فیما بین انگریزه و پیشوا
۴۶۳	روانده شدن جنرل ویلزی از شهر سیریه و کرنل ایستوینسن از حیدرآباد بطرف پونه
۴۶۵	رفتن هو لکر بشهر حیدرآباد از پونه باستماع توجه عساکر انگریزی و ورود جنرل ویلزی به پونه و گرفتن امرت او و متکون شدن باجیرا و سندیهه پیشوا سئی
۴۶۹	تفاق و رزیدن سندیهه با انگریزان و اتفاق کردن با هو لکر در ای برادر جنگ ایشان
۴۷۳	اعلام کردن کرنل کولمنس لارده ویلزی را از تفاق سندیهه و نامه نوشتن لارده ویلزی بجنرل لکت بجهت عساکر و مراسله سندیهه بسرداران همیشه فرقه زبله برای اتفاق در جنگ انگریزه

۴۷۴	نامه نوشتن جنرال ویلزلی بسندیه و برای برار و پاسخ ایشان مشعر بر محاربه و پیکار
۴۷۵	نامه نوشتن پیرن فرانسویس سپه سالار بسندیه بیارسیس دار السلطنه فرانسه بطلب شکر و آمدن بغوی پوری و دستگیر ساختن انگریزان ایشان را
۴۷۹	اراسته شدن لشکر انگریزان با بجا و اسامی سرداران ایشان
۴۸۱	سخن نمودن جنرال ویلزلی مشعر احمد نگر با قلعه اش و مفتوح ساختن کرنل ایشتیویشن حصار جالند را
۴۸۲	جنگ کردن جنرال ویلزلی با دولت راول بسندیه و شکست دادن
۴۸۶	سخن نمودن کرنل دووین تن شهر بسروج و تسلطه پانپانپیر و پونگر
۴۸۷	ستخلص نمودن کرنل بارکرت کنگ برا از رای برآ
۴۹۰	رفتن جنرال لک بسر پیرن فرانسویس سر عسکر بسندیه و فراری شدن او
۴۹۲	رفتن کرنل متشن بسر حصار علی گره و مفتوح شدن آن بجا و نت میجر بکله
۴۹۴	گذشتن پیرن فرانسویس نوکری دولت راول بسندیه و پروانه خواستن از جنرال لک بجهت رفتن بشهر لکهنو

صفحه	ادار الزیاست نواب شجاع الدوله و اولادش
۴۹۶	جنگ کردن جنرال لیک با لوئیس بورگاین فرانسس فیسروزی یافتن
۵۰۰	رفتن جنرال لیک بجنور شاه عالم بدلی معروف بشاه جهان آباد و مطلق العنان نمودن شاه عالم را از نظر بندی دولت راوندیه
۵۰۱	رفتن جنرال لیک با گره مشهور با کبر آباد و امان خود داشتن فرانسس و مفتوح شدن آگره
۵۰۳	آگاه شدن دولت راوندیه از شکست لوئیس بورگاین فرانسس و مسخر شدن شهر دلی و شکر فرستان باستخدام دلی از تصرف انگریزیه و پذیره شدن جنرال لیک و منصور و مظفر گشتن و کشته شدن کرنل واندیلر
۵۰۶	مسخر نمودن کرنل ایشتوینسن و تسلط آسیر گرو فرستان دولت راوندیه و کیل صلح پیش جنرال ویلیزلی و جنگ کردن جنرال ویلیزلی با لشکر سندیه و سپاه رای برار و شکست دادن
۵۰۹	مفتوح ساختن جنرال ویلیزلی و تسلط گاول گرازنوبان رای برار و اندیشیدن رای برار از غلبه انگریزیه بر آن حصار استوار

صفحه ۵۱۱	آشتی کردن ای برار و دولت را و سندی به باخزل ویلیزی
۵۱۵	سبب ارتغام عمود و موایق با کار پردازان کپنی انگریز بمبار در درمزد وستان با فرامندی مملکت گجرات آشتی در او معروف بگا بکوار
۵۱۷	پیمان اول
پیمان دوم	
۵۱۸	پیمان سیم
پیمان چهارم	
۵۲۰	پیمان پنجم
پیمان ششم	
۵۲۱	پیمان هفتم
پیمان هشتم	
۵۲۳	پیمان نهم
پیمان دهم	
۵۲۴	پیمان دوازدهم
پیمان سیزدهم	
۵۲۵	پیمان سیزدهم
پیمان چهاردهم	
۵۲۶	پیمان چهاردهم
پیمان شانزدهم	
۵۲۷	پیمان پانزدهم
پیمان شانزدهم	
۵۲۸	پیمان هفدهم
پیمان هجدهم	
۵۲۸	ذکر مجملی در احوال اختلال سلطنت و امارت فرقه اسلامیه درمزد وستان بسبب نفاق و استقلال طبقه اصنامیه معروف به مرتبه حسب الانفاق
۵۳۱	مختصری در بیان انحلال شوکت و اجلال پیشوا که معروف به بدیت پردان نیز بوده

صفر ۵۳۴	مراجعت نمودن باجیرا و معروف به پیشوا بستن آریا خود و اراده مطالبه نمودن بچهارم حصه خراج ملک گجرات از فرقه گایکو و اخراج انگریزیه خواستن در باطن از پونه
۵۳۸	طلب نمودن پیشوا گنگا داس سردیو از پونه بجهت وفصال معامله ربع خراج ملک گجرات بجد و دارا در قتل و استنای نمودن او بدون ضمانت انگریزیه و ضمان دادن پیشوا انگریزان را و آمدن او به پونه
۵۴۲	آمدن گنگا داس به پونه و مقرر شدن نصف حصه احمد آباد به پیشوا بمعرفت عالیجاه حشمت و شوکت پناه مونس ایشیتورت الفستقن صاحب فرمانفرمای عالی بندر منشی و تفویض نمودن پیشوا ریاست آنجا بترتیب کمال بدینگیل و دیگر آقا از حال ترتیب کمال
۵۴۵	ملاقات دادن پیشوا ترتیب کمال را بوسیل سرکار سپنی انگریز به باد و آشکارا شدن چندان نمانی پیشوا با انگریزیه و آگاه شدن کوسیل فرمانفرمای ملک را
۵۴۸	مختم غنادکاشتن و اعلام اتهام برافراشتن پیشوا و امرای او بر گنگا داس و وفصال نیافتن معامله ربع خراج از و فور بعض و لجاج
۵۵۰	پان احوال سینارام دیوان سابق گاواری و بعد

منصوب گشتن گنگا و هراقتادن و از استسبار و اراده نمودن ترک با فروزون اختیار سیارام بکاستن مرتبه گنگا و سر	
فرستان سیارام دو وکیل بیونه	۵۵۳
گفتگو نمودن وکیل کمپنی انگریز بهادر با وزیر پیشوا و پاسخ دادن او	۵۵۴
پاسخ دادن وکیل کمپنی بدیوان پیشوا	۵۵۶
اراده گفتگو نمودن وکیل کمپنی انگریز بهادر با پیشوا بجهت مخص ساختن گنگا و سر از پوز و منع کردن گنگا و وکیل را	۵۵۸
تکلم نمودن وکیل کمپنی انگریز بهادر مکرر با پیشوا و کار گزاران او در انجام کار متر کرده گا کواری و پذیرا گشتن آن درخت دادن گنگا و هراقتادن بروده	۵۶۱
طلاقات نمودن فرستادهای سیارام با پیشوا بمعرفت بی بی وکیل مرام	۵۶۲
بخود گردانیدن پیشوا فرما نضامی کجرات آنندرا و را بخواه تخفیف مطالبات خود	۵۶۶
دوستی نمودن پیشوا با گنگا و سر و انقطاع با حق مذاکره مطالبات با سهل و جی و قبول نمودن فنی سنگ مدار المہام آنندرا و گا کواری	۵۶۸
نامزد کردن پیشوا خواهر زن خود را به پسر گنگا و سر با	۵۷۱

سفر	امید اعطای وزارت اعظم خود بدو
۵۷۳	روان شدن پیشوا با اهل سرای خویش بشهر ناسک بعزم زیارت تجماعتی آنجا و سرانجام مهام عروسی و کد خدا سپر گنگا دهر
۵۷۵	طلب رسیدن عین بانوی پیشوا کد بانوی گنگا دهر را بملاقات خود و فرستادن گنگا دهر او را و برپا شدن گیسو دیرینه از نو و مستم شدن پیشوا بر تمل او
۵۷۸	متنیه شدن گنگا دهر از بخش نهانی پیشوا و ترک نسبت بجود گفتگو نمودن او با وکیل سرکار کهنه انگریز بهادر
۵۸۰	اراده نمودن پیشوا بر رفتن زیارت پتالاسنام شهر پنڈر پور و متفرق ساختن همراهمیان گنگا دهر و رفتن وکیل کهنه انگریز بهادر تماشای عمارت شهر ایلور
۵۸۳	رسیدن پیشوا و گنگا دهر به پنڈر پور و آمدن کو بند را و بمگونت فرستادگان سپهتارام از پونه بکنور پیشوا
۵۸۵	جسب یافت طلبیدن کسی پیشوا را با گنگا دهر و بعد آمدن گنگا دهر بخانه خواندن ترک او را به پتالاسنام با برام تمام و رفتن آن برگشته ایام
۵۸۹	مرحمت کردن گنگا دهر از بنگده کشته شدن او در بین راه کمال تپاه
۵۹۰	درخواست نمودن منسوبان گنگا دهر از ترک گیسو

<p>پیدا کردن قتل و اجازت خواستن بر رفتن پونه از بندر پور و جواب ناصواب دادن او</p>	<p>صفحه</p>
<p>۵۹۲ زیاده تعقیب نمودن پیشوا و ترک در محافظت خود و منع زجر کردن مردم را از ذکر قتل گنگا دهر</p>	<p>۵۹۲</p>
<p>۵۹۳ آگاهی یافتن وکیل سرکار کمپنی انگریز بهادری از کشته شدن گنگا دهر و نامه نوشتن به پیشوا</p>	<p>۵۹۳</p>
<p>۵۹۶ نامه نوشتن وکیل سرکار کمپنی انگریز بهادری و غیره انفرمای کلکت</p>	<p>۵۹۶</p>
<p>۵۹۸ روانه شدن وکیل سرکار کمپنی انگریز بهادری از ایلور و در رسیدن پونه با بعضی از وقایع راه</p>	<p>۵۹۸</p>
<p>۶۰۲ مخوف گشتن پیشوا و ترک از وکیل سرکار کمپنی انگریز بهادری و جمع کردن لشکر و آمدن ترک از بندر پور پونه و فرستادن یکی از معتمدین خود بنزد وکیل سببه تصرف از اراده او</p>	<p>۶۰۲</p>
<p>۶۰۴ آمدن پیشوا از بندر پور مجبور و تنگنا و مضطرب گشتن اهل پونه از منشا نده این حال میان احوال و بستگان گنگا دهر</p>	<p>۶۰۴</p>
<p>۶۰۶ انتظار کشیدن وکیل سرکار کمپنی انگریز بهادری بوصول جواب فرمای کلکت به سبب بعضی افکار و خواهش ملاقات نمودن با پیشوا و تعلل کردن پیشوا و نامه نوشتن وکیل به پیشوا و سردن گنگا دهر</p>	<p>۶۰۶</p>

صفحه ۶۱۲	فرستادن پیشواد کوس را بنزد وکیل کجبه تقی شمس مضمون نامه و برگشتن ایشان و رسانیدن وکیل نامه به پیشوا
۶۱۳	گزارش نامه که وکیل سرکار کمپنی انگریز بهادر به پیشوا نوشته بود
۶۲۱	اگامی یافتن پیشوا بر مضمون نامه وکیل کمپنی انگریز بهادر و رسیدن لشکر از جالسه بنایخ سرور و پیغام فرستادن پیشوا وکیل
۶۲۵	پان سلوک ترجمی و بردو جی با متعلقان گنگا در بعد و در پذیر پور پونه
۶۲۹	آمدن عساکر پیشوا پونه و پیغام فرستادن وکیل کمپنی انگریز به پیشوا و پاسخ فرستادن او
۶۳۳	محقق شدن بر وکیل کمپنی انگریز بهادر آنکه پیشوا نبوغی از انواع معسده بر پا خواهد ساخت بنا بر آن طلب نمودن لشکر از حیدرآباد
۶۳۶	پیغام فرستادن پیشوا به پیش وکیل
۶۳۷	رسیدن پاسخ نامه وکیل سرکار کمپنی انگریز بهادر از فرمانفرمای کلکته
۶۴۰	نامه نوشتن وکیل سرکار کمپنی انگریز بهادر به پیشواد فرستادن با نامه فرمانفرمای کلکته
۶۴۲	تعطل و تا هیل نمودن پیشواد در تسلیم ترکم وکیل

صفحہ	سرکار کیسی بہادر
۶۴۳	ارادہ بنودن پیشوا فرار از پونہ با ترکم و منع کردن اور ایگی از بزرگان و پیغام فرستادن پیشوا بسوی وکیل و پاسخ آن
۶۴۶	شنیدن پیشوا پاسخ وکیل از زبان بہادر و دستور نمودن در کار ترکم و فرستادن اورا بہتلموسوسہ بوسنت گرو فرستادن بہادر و راپش وکیل و کشگوی وکیل با بہادر
۶۴۹	بیان گشتگوی مردم در باب تعید ساختن پیشوا ترکم را و گذارش رفتن بہادر و غیرہ پیش وکیل و کشگوی ہشان
۶۵۲	اجتماع عساکر پیشوا جا بجا و ارادہ نمودن اور رفتن در قلعہ موسوسہ بوای و مطلع شدن وکیل و طلبیدن لشکر خود پونہ و پیغام فرستادن بہ پیشوا و خواندن پیشوا میجر خورد نامی را بجنبہ استصلاح کار خود و راضی گشتن بتسلیم ترکم وکیل
۶۵۶	آمدن پیشوا پیش میجر خورد و قبول کردن بتسلیم ترکم و آوردن ترکم از قلعہ و دست و سپردن اورا با بہنگوننت را و گوبند را و وکیل و فرستادن وکیل بہرستہ را بقلعہ تانہ

صفحه ۶۶۰	محول نمودن فرمانفرمای کلکته تعیین خونبها بر خود پیشوا و کوشش پیشوا در خلاص ساختن ترکم و نامه نوشتن فرمانفرمای کلکته باو
۶۶۲	گر نخیق ترکم از حصار تانه و عبور کردن از رودخانه که واسطه بود میان مملکت سانگریز و پیشوا
۶۶۶	آگاه شدن وکیل از گر نخیق ترکم و پیغام فرستادن به پیشوا در سپید نمودن ترکم و تسلیم کردن او را
۶۶۸	مفقودان خبر ماندن ترکم از مردم و گرم شدن هنگامه شورش گروه پنداره بسیارش سندیبه در یکی از حدود مملکت سانگریز و تعلق پیش آمدن پیشوا با وکیل سرکار کپنی باراده خوشنود نمودن او را از خود
۶۷۲	فرستادن سواد نامه که فرمانفرمای کلکته بسندیبه در جانب راه دادن پنداره در مرز خود نوشته بود نزد پیشوا و ظاهر شدن خدیعت پیشوا در اجتماع لشکر بزرگ وکیل
۶۷۶	آگاهی یافتن وکیل از بودن ترکم قریب کوه مشهور بکوه معادیو و جمع کردن لشکر در آنجا و پیغام فرستادن به پیشوا و انکار نمودن پیشوا و اجتماع عساکر و تعمیر قلع بفسر موده پیشوا
۶۷۹	منع کردن وکیل پیشوا را از اجتماع عساکر و انکار نمودن پیشوا